

کافه خاطره صبا، محفلی نوستالژیک در دنیای فرهنگ و هنر

تقابل هنروران با قهرمانان



کافه خاطره صبا، بخش جدیدی در روزنامه صبا است که قرار است ماهانه در نشست‌های صمیمی با اهالی فرهنگ و هنر و با گفت‌وگوهای خارج از عرف ژورنالیستی، فضایی نوستالژیک و خاطره‌انگیز برای مخاطبان همیشه همراه مجموعه رسانه‌ای صبا به وجود بیاورد. در گام اول خبرنگار ما به سراغ هنروران سینما و تلویزیون رفته است.

یکی از اجزای مهم دیده شدن قهرمان‌ها احمد محمد اسماعیلی در سینما به خصوص سینمای بدنه حضور هنرورهای است که در اغلب مواقع با قهرمان فیلم درگیر می‌شوند و تماشاگر از این تقابل خوشش می‌آید. سینمای بالیوود نمونه موفق به کارگیری هنرورها است که گاه شهرتی همپای استارهای هند دارند. در ایران هم حضور هنرورها به دهه چهل و تاسیس ارباب جمشید که استودیوهای تولید فیلم در آنجا تاسیس شد برمی‌گردد. به بهانه بررسی دنیای هنرورها با سه تن از هنرورهای با سابقه طاهر جوه زاده، رجب حسینی و پیرایش غلامحسین گفت‌وگویی انجام داده‌ایم.

اگر به گذشته برگردید آیا دوباره همین راه را پیگیری می‌کنید؟

جوه زاده: این شغل و چالش و سختی‌هایش را پذیرفته‌ام و دوستش دارم و البته به درآمد هنروری برای گذران زندگی نمی‌شود تکیه کرد و در کنارش به شغل خشکشویی هم می‌پردازم. حدود ۵۴ سال است در این حرفه حضور دارم و از فیلم قیصر مسعود کیمیایی شروع کردم. به هر حال هر عشق و علاقه‌ای تاوان دارد و باید تاوانش را پرداخت. هنوز هم بعد از این سال‌ها موقعی که جلوی دروین می‌روم همان شور و شوق روزهای اول را دارم. برخی از مواقع نامهربانی‌هایی هم وجود دارد و گاهی هم دستمزدی که توافق شده پرداخت نمی‌شود.

حسینی: شغل اصلی‌ام چیز دیگری است و هفت - هشت سالی است که این کار را انجام می‌دهم و این شغل برایم جذابیت‌های خاص خودش را دارد.

غلامحسین: از دهه پنجاه کارم را شروع کردم و در اولین کارم با رضا بیگ اینموردی و فروزان همبازی شدم. چند سال کار کردم و مدتی کار کردم بعدش رها کردم و در شهرداری استخدام شدم. تا سال ۱۳۸۱ در شهرداری بودم و بعدش دوباره دوستانم را دیدم و دوباره به هنروری الصاق شدم. با تمام بازیگران سینما و تلویزیون همبازی بودم.

از چه سنی جلوی دوربین رفتید؟

جوه زاده: از ۱۴ سالگی شروع کردم و بعدش دیپلم گرفتم و در خیابان منوچهری با وحدت و فریدون ژورک آشنا شدم. زمینه‌اشناسی من با وحدت به خشک شویی که کار می‌کردم برمی‌گردد.

وحدت شما را به بازی دعوت کرد؟

جوه زاده: جوان بودم و خوش تیپ و موی فراوان داشتم و وحدت گفت چهره‌ات برای بازی خوب است و من هم قبول کردم.

وحدت چه خصوصیتی داشت؟

جوه زاده: آدمی محبوب، مهربان، بسیار مردم‌دار و مودب بود.

در کدام صحنه فیلم قیصر بازی کردید؟

جوه زاده: در سکانسی که بهروز به مسگر آباد می‌رود.

شما اولین بار در چه فیلمی بازی کردید؟

حسینی: آقای میلاد که سرپرست هنرورها است من را به فیلمی معرفی کرد که اسمش را یادم نمی‌آید. هوش و حواس قوی‌ای ندارم. از آن به بعد در حدود ۲۰۰ فیلم و سریال بازی کردم و آن هم سرکار هستم.

رعد و برقی که باعث مرگ بازیگر زن می‌شود

اولین بازی‌ای که جلوی دوربین رفتید چه حس و حالی داشتید؟

حسینی: حسایب ترسیده بودم و خوشبختانه بتدریج ترسم ریخت. اما هیچ وقت بازی برایم یک دغدغه جدی نبوده و دوستان مثل آقای جوه زاده زنگ می‌زنند و من را سر فیلم می‌برند.

غلامحسین: با امیر شروان کار کردم و در فیلم او بازی کردم. در این فیلم بهروز و ثوقی و فریبا خاتمی بازی داشتند. در این فیلم چون کار فنی‌ام خوب است صحنه رعد و برق که باعث مرگ بازیگر زن فیلم می‌شود را من درست کردم. یادم می‌آید فیلمبرداری توی قلهک بود.

کار فنی بلد بودید؟

غلامحسین: بله، به کار با دستگاه جوشکاری و آهنگری وارد بودم و در فیلم از جان گذشتگان با یلوش کار کردم. در استودیو عصر طلایی با امین امینی هم کار کردم.

دیالوگ‌ها را حفظ می‌کردید یا یک دو سه می‌گفتید و در دوبله جایش دیالوگ می‌گذاشتند؟

غلامحسین: دیالوگ‌ها را حفظ می‌کردم و بعدا در استودیو دوبله می‌شد. در استودیو طلایی که تو خیابان نارمک و خیابان پندر ثانی بود و درب بزرگی داشت، کارهای زیادی انجام دادم و در همین حین پایه یک هم گرفتم.

شما هم زیاد عشق فیلم نیستید؟

غلامحسین: تعادل را حفظ می‌کنم و به زندگی شخصی‌ام هم می‌پردازم.

حسینی: شغل ما که در آمدی ندارد که به آن متکی باشیم.

غلامحسین: آن خیلی از کتک خورهای قدیمی ارباب جمشید را می‌بینم که در وضع بد مالی قرار دارند و به سختی روزگار می‌گذرانند و این بد است که کسی به فکرشان نیست حتی برخی از آن‌ها دستفروشی می‌کنند.

حسینی: ما آینده نگری کردیم و همان موقع فهمیدیم این شغل درآمدی ندارد که به آن اتکا داشته باشیم. من در کنار سینما به باشگاه نادر هم برای ورزش می‌رفتم و ۱۴ سال کشتی کج کار کردم.

باشلوغ کاری بهروز را از چنگ پلیس فراری دادم

از تجربه حضور در فیلم قیصر که خیلی از بزرگان بازیگری در آن حضور داشتند بیشتر بگوئید؟

جوه زاده: همانطوری که گفتم در قیصر در سکانسی که بهروز و ثوقی با قطار از مشهد می‌آید و متوجه مرگ مادرش می‌شود بازی داشتیم. در سکانس بعدی بهروز می‌رود مسگر آباد و من در این سکانس جزو آشنایان برادر نامزد بهروز (میر محمد تجدد) بودم که با شلوغ کاری بهروز را از چنگ پلیس فراری می‌دهند.

کیمیایی را چگونه دید؟

جوه زاده: آن زمان کیمیایی یک جوان بیست و شش - هفت ساله بود و با انگیزه بالا فیلمبرداری می‌کرد و خیلی کارش عالی بود. من، غلام زاپنی، چیچو و مجید علیزاده باتوق مان ارباب جمشید بود و منتظر بودیم فیلمی هنرور بخواهد و می‌رفتیم. جوان و پر انرژی و مصمم و پیگیر بودیم.

اولین دستمزدی که گرفتید چقدر بود؟

غلامحسین: پنجاه هزار تومان که در اواخر دهه هشتاد گرفتم.

کم نبود؟

غلامحسین: بیشتر نمی‌دادند.

بر خورد بازیگران ستاره و نقش اول با هنرورها چگونه بود؟

غلامحسین: برخی خوب و مشتی هستند و صمیمی و گرم برخورد

می‌کنند اما برخی دیگر بد عنق و نجوش و قیافه بگیر هستند. شاید نکته این است که من سواد ندارم.

پس دیالوگ‌ها را چگونه حفظ می‌کنید؟

غلامحسین: برایم می‌خوانند و سریع حفظ می‌کنم.

دوست نداشتید با سواد بشوید و در بازیگری پیشرفت بیشتری داشته باشید؟

غلامحسین: شغلم رانندگی است و پایه یک دارم و زیاد نیازی به سواد ندارم. آن موقع که باید درس می‌خواندم این کار را انجام ندادم.

واکنش خانواده درباره بازیگری شما چگونه است؟

غلامحسین: دوست دارند و دختر و پسر من را تشویق می‌کنند. همه فامیل هم هر وقت که بازی‌ام در سریال‌ها پخش می‌شود به من زنگ می‌زنند و نظرشان را بیان می‌کنند.

گویا در کنار بازیگری کارهای دیگری هم در سینما انجام داده‌اید؟

حسینی: من در سینما فیلم‌بری هم می‌کردم و با موتور گازی حلقه‌های فیلم را از سینما کریستال به سینما دیاموند در خیابان شاهرزای سابق می‌بردم. کاری که حساس بود و اگر حلقه فیلم را دیر می‌رساندم مردم در سینما شلوغ و مدیران سینماها با ما بد اخلاقی می‌کردند اما کار هیچجانی‌ای بود و دوستش داشتم.

آیا پیش آمد حین بردن حلقه فیلم تصادفی داشته باشید و نتوانید حلقه فیلم را به موقع برسانید؟

حسینی: چند باری پیش آمد و موتورم خراب شد با تلفن دو ریالی به سینما زنگ می‌زدم و کسی را می‌فرستادند تا حلقه فیلم را ببرد.

روزانه چقدر دستمزد برای فیلم‌بری می‌گرفتید؟

حسینی: حدود ۲۵ تومان می‌گرفتم. یادم هست در همان زمان فیلم‌بری در فیلم گدایان تهران حضور پیدا کردم و یک سکانس را در کنار فردین بازی داشتم و کلی کیف کردم.

بعد از قیصر در چه فیلمی حضور پیدا کردید؟